

عوامل شکاف نسلی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی والدین و فرزندان در استان اصفهان*

اسماعیل جهانبخش^۱

چکیده

دوران گذار از سنت به مدرنیته همراه با تحولات بزرگ فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده است. یکی از مهمترین تغییرات حاصل از جامعه‌ی نوگرا را می‌توان در آنچه که به شکاف نسل‌ها مشهور شده است، مشاهده نمود. بعلت سریع بودن روند تحولات، نسل والدین و نسل فرزندان در هر دهه نسبت به دهه‌ی قبل از آن از تمایلات، انتظارات، ارزشها و هنجارهای خاص خود برخوردار شده‌اند. در این مقاله سعی بر آن است که عوامل شکاف در ارزش‌های دو نسل والدین و فرزندان مورد شناسایی قرار گرفته و راهکارهایی در جهت زدودن آثار منفی آن در خانواده‌ها و در جامعه ارائه نماید. کار میدانی تحقیق در استان اصفهان با روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت گرفت. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از دو نوع اعتبار محتوا و صوری و برای محاسبه پایایی از آزمون آلفا کرونباخ (میانگین ضریب آلفا = ۰.۷۸) استفاده شده است. حجم نمونه ۱۵۳۶ نفر و جامعه آماری شامل پدران و مادران (۳۵ ساله و بیشتر) و پسران و دختران (۱۵ تا ۳۴ ساله) بوده‌اند. حجم نمونه بین گروه‌های چهارگانه پاسخگو، در نقاط شهری و روستایی بطور مساوی تقسیم شده و نمونه‌گیری به شیوه‌ی تصادفی طبقه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است. از آزمون فرضیات تحقیق نتایج زیر حاصل شده است: نسل فرزندان دارای گرایشات ارزشی مادی (اقتصادی-اجتماعی)، اما نسل والدین دارای گرایشات ارزشی معنوی (مذهبی - سنتی) بوده‌اند. بین تفاوت در ارزشهای فرهنگی - اجتماعی نسل‌های والدین و فرزندان و تجارب و میزان قدرت آنها در دوران جامعه-پذیری و نیز پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان تحصیلات، میزان مطالعه کتاب و استفاده از ماهواره بطور مستقیم و بین استفاده از کانال‌های تلویزیون داخلی و استفاده از اینترنت و نوع شغل پاسخگویان بطور معکوس رابطه معنی‌دار وجود دارد. تفاوت دو نسل بین ساکنین در شهر و در روستا و بین زنان و مردان فاقد رابطه معنی‌دار می‌باشد.

کلید واژه: ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، تجارب و قدرت در دوره‌ی جامعه‌پذیری، شکاف نسلی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۵

** این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است با عنوان " بررسی میزان و ابعاد افتراقی شکاف نسلی در ارزشهای اجتماعی و فرهنگی دو نسل والدین و فرزندان در استان اصفهان " که با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان انجام شده است.

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهاقان، ایران esjahan@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

تحولات ناشی از دوران گذار را می‌توان در آنچه که بنام "شکاف نسلی"^۱ نامیده می‌شود، بخوبی مشاهده نمود. بگونه‌ای که دورکیم^۲ در تحقیقات خود در اروپای قرن نوزدهم به خوبی نشان داده است، در دوران گذار از سنت به مدرنیته، نابسامانی اجتماعی^۳ شدت می‌یابد؛ در این وضعیت هنجارهای سنتی پذیرش عمومی خود را از دست داده و هنجارهای جایگزین متناسب با دوران جدید هنوز بوجود نیامده و یا عمومیت نیافته است. این وضعیت موجب خلاء هنجاری و شکاف ارزشی در نسل‌های جدید شده و به تبع آن الگوناپذیری فرزندان از والدین و نیز نافرمانی مدنی در سطح جامعه را بوجود می‌آورد.

کشورما همچون بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم در دوران گذار از سنت به مدرنیته بسر می‌برد. به عقیده صاحب‌نظران، سرعت تغییرات اجتماعی عامل اصلی ایجاد شکاف ارزشی نسل‌ها می‌باشد. روند تحولات در ارزش‌ها، رسوم و الگوهای رفتاری به قدری سریع است که آن‌را در فاصله‌ی دو نسل (نسل والدین و نسل فرزندان) می‌توان تشخیص داد. فرزندان تأثیر بیشتری از قالب‌های دنیای مدرن می‌پذیرند و مسأله‌ی شکاف نسل‌ها ظهور چشم‌گیری یافته و پیامدهای منفی آن موجب نگرانی خانواده‌ها، متفکرین اجتماعی و نیز مسئولین سیاسی گردیده است. فرزندان تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک و آثار اجتماعی و سیاسی دنیای جدید قرار گرفته و ارزش‌های آنان با نسل گذشته و بطور خاص با والدینشان بطور فزاینده‌ای متفاوت شده است. در چنین وضعیتی که ناشی از شرایط اجتماعی-تاریخی متفاوت نسل‌های متوالی در عصر حاضر است، الگوهای والدینی نمی‌توانند موجب فراهم‌ساختن قواعد راهنما برای نسل جوان شده و والدین را به عنوان یک گروه مرجع برای ارزش‌ها و سبک‌های زندگی آنها مشروعیت بخشند، همچنین بنا به عقیده‌ی این صاحب‌نظران، تعارض و ضدیت نسل‌ها منجر به بوجود آمدن گروه‌بندی‌های اجتماعی و سیاسی شده و بعضاً بصورت رفتارهای انحرافی بروز و ظهور می‌نمایند.

در کشور ما ایران نیز بحث شکاف ارزشی بین نسل‌ها، هم در بین متخصصان و هم متولیان امور و نیز در بین خانواده‌ها مدتهاست که اذهان را به خود جلب نموده است. بسیاری از والدین از بی‌توجهی فرزندان‌شان به معیارها و ملاک‌ها و ارزش‌های آنها گلایه‌مند هستند و در بسیاری موارد از آن به‌عنوان یکی از مشکلات مهم زندگی خانوادگی خود یاد می‌نمایند. فرزندان نیز متقابلاً نسبت به ارزش‌ها و معیارهای والدین درک کاملی ندارند و خواسته‌ها، انتظارات، نیازها، اعمال و رفتار و اعتقادات آنها در بسیاری موارد

1. Genration Gap

2. Emil Durkheim

3. Anomy

موجب نگرانی والدین قرار گرفته و بعضاً موجب تنش‌هایی در خانواده‌ها بین والدین و فرزندان، بین فرزندان کوچکتر و بزرگتر و نیز بین زن و شوهر بر اثر اختلاف‌نظر در چگونگی برخورد با انتظارات فرزندان و چگونگی برآورده نمودن انتظارات و توقعاتشان، می‌شود.

فرضیه‌ی اصلی این مطالعه آن است که شکاف ارزشی و هنجاری بین نسل‌های والدین و فرزندان در اقشار مختلف با توجه به مؤلفه‌های گوناگون متفاوت می‌باشد. مؤلفه‌های درسطح خرد شامل ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی والدین از قبیل نوع شغل پدر و مادر، میزان درآمد خانوار، میزان تحصیلات والدین و درسطح میانه شامل محل سکونت (شهر یا روستا) و تجربه‌ها و حوادث نسلی و در سطح کلان شامل میزان تعامل ذهنی - ارزشی والدین و فرزندان با نهادهای فرهنگی و اجتماعی ملی و جهانی از طریق استفاده از انواع وسایل ارتباط جمعی، می‌توانند موجب افتراق درشکاف ارزشی، هنجاری و رفتاری والدین و فرزندان در اقشار مختلف جامعه گردند.

۲- پیشینه تجربی پژوهش

- در تحقیق ملی با عنوان آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی بر روی نمونه‌ای به حجم ۳۵۴۰ نفر زن و مرد و از تمام گروه‌های سنی که با استفاده از روش مصاحبه همراه با پرسش‌نامه در سال ۱۳۷۴ در سطح پانزده شهر از پنج استان کشور (تهران، فارس، کرمان، مازندران و آذربایجان شرقی) صورت گرفته است، بخشی به بررسی ارزش‌ها و اولویت‌های ارزشی مردم ایران اختصاص یافته است. در یافته‌های این بررسی در خصوص ارزش‌ها، شواهدی دال بر اینکه ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی نزد گروه‌های سنی جوانتر (۳۴-۱۶ساله) از اهمیت و اعتبار کمتری در مقایسه با گروه‌های مسن‌تر (۳۵ ساله و بالاتر) برخوردار بوده است، وجود دارد و رابطه آماری دو متغیر (سن و گرایش‌های ارزشی خاص) معنی‌دار گزارش شده است. تحقیق مذکور در بخش نتایج مربوطه در رابطه با ارزش‌های نسلی، نتیجه و تحلیلی کلی بدست داده است مبنی بر اینکه: «بنظر می‌رسد جامعه ما در مسیر حرکت به طرف ارزش‌های مادی‌گرایانه است. احساس ناایمنی می‌تواند انسانها را در معرض حرکت‌های اجتماعی دشوار و ناسالم قرار دهد. بنظر می‌رسد ارزش‌های مادی‌گرایانه، واقع‌گرایز و غیراجتماعی در نسل ۳۴-۱۶ ساله ایران در معرض رشد زیاد است. اطلاعات ما، شرایط این گروه را متفاوت از بقیه نشان می‌دهد. جوانان در معرض تغییر ارزش‌ها قرار دارند و آنهم نه حرکت به سوی ارزش‌های متعالی، بلکه مسیر ارزش‌های مادی‌گرایانه است» (محسنی؛ ۱۳۷۹: ۵۲۷).

- «دومین مطالعه ملی انجام‌شده در زمینه ارزش‌ها که نسل در آن از محورهای اصلی تحقیق بوده، بررسی ارزش‌های جهانی کار مشترک رونالد اینگلهارت و دانشگاه تهران در راستای بررسی تجربی تئوری

فرامادی‌گرایی‌ارزشی در کشورهای جهان، مورد ایران، می‌باشد که تاکنون در ۶۶ کشور به اجرا درآمده است. در نتایج این تحقیق ذکر شده است که جوان‌بودن جمعیت این امکان را فراهم می‌آورد که اهمیت نسل جوان در شکل‌گیری‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی، آشکارتر شود؛ این همان عاملی است که مکرراً از آن به عنوان ارزش‌های فرهنگی نسل‌ها نام می‌برند» (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۷۴). این تحقیق در سال ۱۳۷۹ در سطح ملی و با نمونه‌ای ۲۵۰۰ نفری توسط تقی‌آزاد ارمکی و همکارانشان در ایران انجام شده است. هر چند این تحقیق بطور خاص به تفاوت‌های نسلی نپرداخته، اما بخش‌هایی از این تحقیق به تفاوت‌های سن و تحصیلات در زمینه‌ی اعتقادات مذهبی، اعتماد به مسجد، هویت، اعتماد به دولت، نگرش نسبت به زنان و روابط جنسیتی، اختصاص یافته است. نتایج حاصله بیانگر آن است که:

- در رابطه با نگرش نسبت به رهبری سیاسی زنان (با این گویه که مردان رهبران سیاسی بهتری از زنان هستند)، جوان‌ترها بیش از افراد مسن به رهبری سیاسی زنان نظر مثبت داشته‌اند.
- در خصوص حق زنان در مقابل مردان در بازار کار، هر چند اکثریت قابل توجه پاسخگویان موافق این قضیه بوده‌اند که در محیط‌های جدی کار، مردان بالادست زنان باشند، اما گروه‌های سنی جوان، جنسیت را کمتر از گروه‌های مسن در این قضیه مهم دانسته‌اند.
- در خصوص رابطه قدرت بین زن و شوهر (بر اساس موافقت با این گویه که یک زن باید همیشه مطیع شوهر باشد)، تفاوت درصد بین جوانترین و مسن‌ترین گروه سنی ۲۴ درصد بوده است. به عبارت دیگر، جوان‌ترها موافقت کمتری با این اطاعت داشته‌اند تا افراد مسن‌تر.
- در رابطه با مسأله حجاب زنان، افراد جوانتر و تحصیل‌کرده‌تر تأکید کمتری بر روی داشتن حجاب نموده‌اند تا افراد مسن‌تر و با تحصیلات کمتر.
- در زمینه‌ی اهمیت مذهب در ایران، نسل مسن‌تر و افراد با سطح سواد پایین‌تر، مذهب را در زندگی‌شان خیلی مهمتر دانسته‌اند تا افراد جوانتر و دارای تحصیلات بالاتر.
- در ایران، رابطه‌ی مثبت بین سن و سطح اعتماد بالا به مسجد وجود دارد اما در زمینه‌ی تحصیلات، رابطه معکوس است.
- در ایران، جوانترین گروه سنی در مقایسه با مسن‌ترین گروه سنی، کمتر خود را در درجه‌ی اول مسلمان و با این هویت (مسلمان‌بودن) شناخته‌اند و اکثریت جوانان، خود را ملی‌گرا معرفی کرده و به عنوان ایرانی شناخته‌اند (هویت ملی در جوان‌ترها قویتر از هویت مذهبی بوده است).
- احمد رجبی در سال ۱۳۸۲ در تحقیقی تحت عنوان «تساهل اخلاقی و کشمکش خانوادگی» با بررسی گروهی از والدین تهرانی، به این نتیجه رسیده است که والدین نابرخوردار از تساهل و مدارا اغلب با فرزندان نوجوان خویش دچار تعارضات ژرف و گسست‌های مستمر می‌شوند. به باور او، چنین والدینی

چون قادر به درک نظرات و دیدگاه‌های متفاوت با نظرات خویش نیستند، اغلب در تقابل با فرزندان نوجوان خویش، خود را محق می‌دانند و ارزش‌چندانی برای عقاید و مواضع آنها قائل نمی‌شوند.

- حسین صلحی در سال ۱۳۸۳ در تحقیقی با یک رویکرد فلسفی به بررسی ریشه‌های «تعارض بنیادین نوجوانان و والدین آنان» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که عدم آگاهی والدین از عقاید و ایدئولوژی متفاوت و ناتوانی آنان در پذیرش عقاید مخالف اغلب موجب ناتوانی آنان در درک تفاوت‌های نگرش‌ها و عقاید فرزندان نوجوانشان می‌شود و چنین عدم درکی سرانجام موجب رویگردانی آنها از یکدیگر می‌گردد.

- محمدحسین الیاسی در سال ۱۳۸۴ در تحقیقی بین نوجوانان در دبیرستان‌های پسرانه تهران، به این نتیجه می‌رسد که حدود دو سوم نوجوانان پسر دبیرستانی پیوند عاطفی عمیقی با والدین خویش ندارند و بین رشد اخلاقی پدران و انطباق نگرش‌های سیاسی آنان با فرزندان‌شان رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. همچنین وی به این نتیجه می‌رسد که کمترین سطح گسست و تعارض در خانواده‌هایی دیده می‌شود که پدران از سبک تربیتی قاطع اما محبت‌آمیز و اطمینان‌بخش برخوردار بوده‌اند و این در حالی بوده است که در دو نوع سبک تربیتی دیگر (سهل‌انگارانه و استبدادی) میزان گسست از شدید تا متوسط دیده می‌شود.

۳- مبانی نظری

جامعه‌شناسان و دیگر علمای اجتماعی در تحلیل و آزمون مسأله انتقال فرهنگ و تداوم یا شکاف و تعارض ارزش‌ها بر حسب نسل، از دو دیدگاه کلان و خرد سود جست‌ه‌اند. صاحب‌نظرانی که دیدگاه کلان در این مسأله اتخاذ کرده‌اند، بطور کلی بر حسب چهار رویکرد نظری به توجیه موضوع پرداخته‌اند که عبارتند از:

۳-۱- رویکرد نسل‌های تاریخی

۳-۱-۱- کارل مانهایم^۱: سابقه توجه به ویژگی کلان تاریخی^۲ تغییرات اجتماعی مرتبط با ظهور نسل‌های نو به مانهایم متفکر آلمانی دهه ۳۰-۱۹۲۰ و بررسی «مسأله نسل‌ها»^۳ توسط وی بر می‌گردد. به عقیده‌ی مانهایم، «نسل محل ظهور و نیز تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در زمینه اجتماعی - تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معینی در آن رشد کرده، ریشه دارد.» به عقیده صاحب‌نظران

1. Karl Manheim
2. macrohistorical
3. Problems of generations

این دیدگاه، در دوره های عادی حیات اجتماعی، گروه‌های نسلی جوان می‌آیند و می‌روند و فرآیندهای جامعه‌پذیری و تخصیص نقش به عنوان عوامل ایجاد اتصال بین «جوانان» و نهاد های اجتماعی عمل می‌کنند و آنان در صورت بوجود نیامدن حادثه عمده‌ای در طول حیات خود، در ساخته‌های بزرگسالان قرار گرفته و ادغام می‌شوند. اما حوادث مهم تاریخی می‌توانند ویژگی شکننده این اتصالات را تهدید کرده و موجب بروز عدم توافق و اختلاف بین جوانان و بزرگسالان گردند.

۳-۱-۲- مارگارت مید^۱: مید با بررسی حرکت‌های جمعی دانشجویی در دهه ۱۹۶۰ در غرب ادعا کرد که علت رفتارهای غیرمتعارف و ضد فرهنگ جوانان، وجود فاصله نسلی بین آنهاست که قبل و بعد از جنگ جهانی دوم متولد و بزرگ شده‌اند. «در واقع مید با اشاره به جامعه‌پذیری تاریخی نسل‌های قبل و بعد از جنگ معتقد است کسانی که پس از جنگ جهانی دوم بزرگ شده‌اند، در جهانی زندگی خود را شروع کرده‌اند که کاملاً با دنیای قبل از آن متفاوت است. به همین جهت نسل تاریخی قبل از جنگ دوم، به تاریخ پیوسته و دیگر هرگز تکرار نخواهد شد چرا که آنان در دنیای بدون بمب اتم، بدون تلویزیون، بدون ماهواره و رسانه‌های جمعی و بدون بسیاری دیگر از وسایل مدرن بزرگ شده‌اند و در نتیجه تجربه نسل جدید را نمی‌توانند درک کنند؛ نتیجتاً فاصله نسلی عمیقی بین نسل‌های قبل و نسل بعد از جنگ دوم در کشورهای غربی و سپس در دیگر کشورها پدید آمده است که همانند آن نه هرگز بوده و نه هرگز تکرار خواهد شد» (پناهی، ۱۳۸۰: ۸۴).

۳-۱-۳- رونالد اینگلهارت^۲: بالغ بر سه دهه پیش، اینگلهارت متخصص علوم سیاسی و جامعه‌شناس، نظریه تغییر ارزشی خود را تحت عنوان نظریه فرامادیگرایی در چارچوب کلی رویکرد اجتماعی-تاریخی کلان در زمینه تغییرات فرهنگی، عنوان نمود و اظهار داشت که در جوامع پیشرفته صنعتی، اولویت‌های ارزشی از سمت مسائل و دلبستگی‌های مادی و مرتبط با امنیت اقتصادی و اجتماعی به سوی تأکید بیشتر بر آزادی، ابراز عقیده و کیفیت زندگی یا همان ارزش‌های فرامادی گرایش پیدا نموده است. این دگرگونی فرهنگی که ماهیتی تدریجی و بلند مدت دارد، جریانی است مسبوق به توسعه و بازتاب دگرگونی‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی - اجتماعی گسترده و بی‌سابقه در جهان غرب در دوران پس از جنگ دوم جهانی است که خود موجب تحول در تجارب سازنده‌ای گردیده که به نسل‌های مختلف شکل داده است. از اینرو درحالی‌که ارزشها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های قبل از جنگ رایج است، گرایشات ارزشی جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوانتر نفوذ داشته است و بنابراین، با

1. Margaret Mead
2. Ronald Inglehart

جایگزین شدن نسل‌های جوانتر به جای نسل‌های بزرگتر، فرهنگ و جهان بینی متداول در این جوامع دگرگون گردیده و این تحول همچنان ادامه دارد (اینگلهارت: ۱۳۷۳، ۳-۱).

۳-۲- رویکرد ساختگرا و ساختی - کارکردی^۱

نظریه موقعیت‌های ساختاری- اجتماعی و تفاوت ارزش‌های فردی، نظریه کلان دیگری است که می‌تواند چارچوب تحلیل تغییر جهت‌گیری‌های ارزشی بین نسلی در شرایط تغییر اجتماعی قرارگیرد. این نظریه، در واقع نظریه‌ای تجربی و مبتنی بر تحقیقات مقایسه‌ای ملی در زمینه رابطه میان ساخت اجتماعی و شخصیت (اخلاقی، فرهنگی، روانی) در شرایط تغییر اجتماعی شدید می‌باشد.

۳-۲-۱- کوهن: کوهن از تحقیقات خود در توضیح شکاف نسلی به این نتیجه می‌رسد که در دوره‌های انتقال و تحول از یک سیستم به سیستم اجتماعی دیگر، تغییر ساختار و شرایط شغلی- از مشاغل با کارفرما و کنترل از بالا به مشاغل خودکارفرما، پیچیده، غیرتکراری و همراه با اختیارات بیشتر و وسعت قلمرو نظارت و سرپرستی- نقش اساسی در تغییر گرایش‌های اخلاقی و ارزشی افراد بازی می‌کند.

۳-۲-۲- تالکوت پارسونز^۲: تنش و تعارض بین جوانان و جامعه صنعتی و ارزش‌های آن، موضوع مورد توجه پارسونز جامعه‌شناس مشهور آمریکایی نیز بوده است. پارسونز به عنوان اولین جامعه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۴۲ در تحقیقی با عنوان «سن و جنس در ساخت اجتماعی جامعه آمریکا»، مسأله جوانان و فرهنگ آنان را برجسته کرده و درصدد برآمده است که بفهمد جامعه‌ی صنعتی چه تأثیراتی روی سن و جنس می‌تواند بگذارد و کارکرد خرده فرهنگ‌های جوانان، به عنوان پدیده خاص جوامع صنعتی معاصر، به ویژه در چارچوب جامعه آمریکایی، چیست؟ پارسونز در «متغیرهای الگویی» خود، بسیاری از تفاوت‌های ارزش‌های سنتی و ارزش‌های دنیای جدید را در عرصه‌های مختلف بر می‌شمارد. از نظر پارسونز همانگونه که در دنیای قدیم متغیرهای خاص آن دوران موجب برقراری نظم و ادامه‌ی حیات اجتماعی انسان‌ها می‌شده است، در دنیای جدید متغیرهای الگویی خاص آن، نظم را برای جامعه به ارمغان می‌آورد (تیموری، ۱۳۸۰: ۲۰).

۳-۲-۳- رابرت مرتن^۳: طبق نظریه مرتن در مورد رفتار انحرافی می‌توان چنین استنباط نمود که از نظر نسل جدید بین اهداف مورد قبول جامعه مثل ثروت و منزلت و زیبایی و شهرت و وسایل رسیدن به آنها از نظر جامعه که عبارت از علم و کاردانی و لیاقت و مهارت و تخصص و تجربه است، هماهنگی لازم

1. Structural- Functional View

2. Talcott Parsons

3. Robert K. Merton

و کافی وجود ندارد؛ لذا بسیاری از اعمال، رفتارها، معیارها و ارزش‌های نسل جدید با نسل والدین منطبق نبوده و بین آنها چالش بوجود می‌آید (محسنی تیریزی، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

۳-۳- رویکرد تضادگرایی ساختاری

۳-۳-۱- پی‌یر بوردیو^۱: بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی نیز مسأله نسل‌ها، روابط نسلی و تضاد و تقابل میان نسل‌های مختلف را در عرصه‌های اجتماعی، نظیر دانشگاه، سیاست، ادبیات، هنر و غیره، پیگیری و تحلیل کرده است. وی به عنوان جامعه‌شناسی که متأثر از دیدگاه کلان مارکسیستی و رویکرد تضاد است، چالش‌های بین نسلی را هم مانند سایر تعارضات اجتماعی، مستقل از طبقه و نظام قشربندی اجتماعی یا به تعبیر او نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف، نمی‌داند و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی به تحلیل روابط و تعارضات نسلی می‌پردازد. به اعتقاد بوردیو، در طبقه‌بندی میان پیر و جوان، مسأله اصلی قدرت است و تقسیم قدرت براساس سن، همانند جنسیت و طبقه، در پی ایجاد نظمی است که در آن هرکس در جای خود قرار گیرد (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۲۲).

۳-۳-۲- برایان ترنر^۲: یک چشم‌انداز دیگر از دیدگاه تضاد ساختاری در زمینه روابط و تعارضات بین نسلی که در اصل نشأت گرفته از نظریه بوردیو است، توسط برایان ترنر ساخته و پرداخته شده است. وی به نسل (گروه‌بندی سنی) به عنوان یک بُعد مهم، اما فراموش شده نظریه و تحقیق در زمینه قشربندی اجتماعی، می‌نگرد و از این جهت، معتقد است که در چند دهه اخیر، برخلاف گذشته که در حوزه نابرابری‌های اجتماعی، تفاوت‌ها و تمایزات را برای طبقات، مناطق، دو جنس، ملت‌ها، مشاغل و افراد در نظر می‌گرفتند، تفکیک بر حسب گروه نسلی اهمیت ویژه‌ای یافته و تمایز نسل‌ها، به عنوان تمایزی بنیادین در مطالعات اخیر در حوزه نابرابری‌های اجتماعی و تغییر اجتماعی، مطرح است (Turner, 1998: 258).

۳-۴- رویکرد مدرنیزاسیون، تغییر ارزش‌ها و شکاف نسلی

۳-۴-۱- جورج زیمل^۳: نظریات زیمل را می‌توان تبیین‌کننده رشد فردگرایی در دنیای جدید دانست. فردگرایی رو به تزاید در نسل جدید موجب بوجود آمدن اخلاقیات و ارزش‌هایی می‌شود که تمام عرصه‌های زندگی را برای نسل جوان متمایز از نسل گذشته‌اش می‌نماید. گروه مرجع در نسل جوان نیز تحت تأثیر این فردگرایی دارای تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل می‌شود (کوزر، ۱۳۶۸: ۲۶۳).

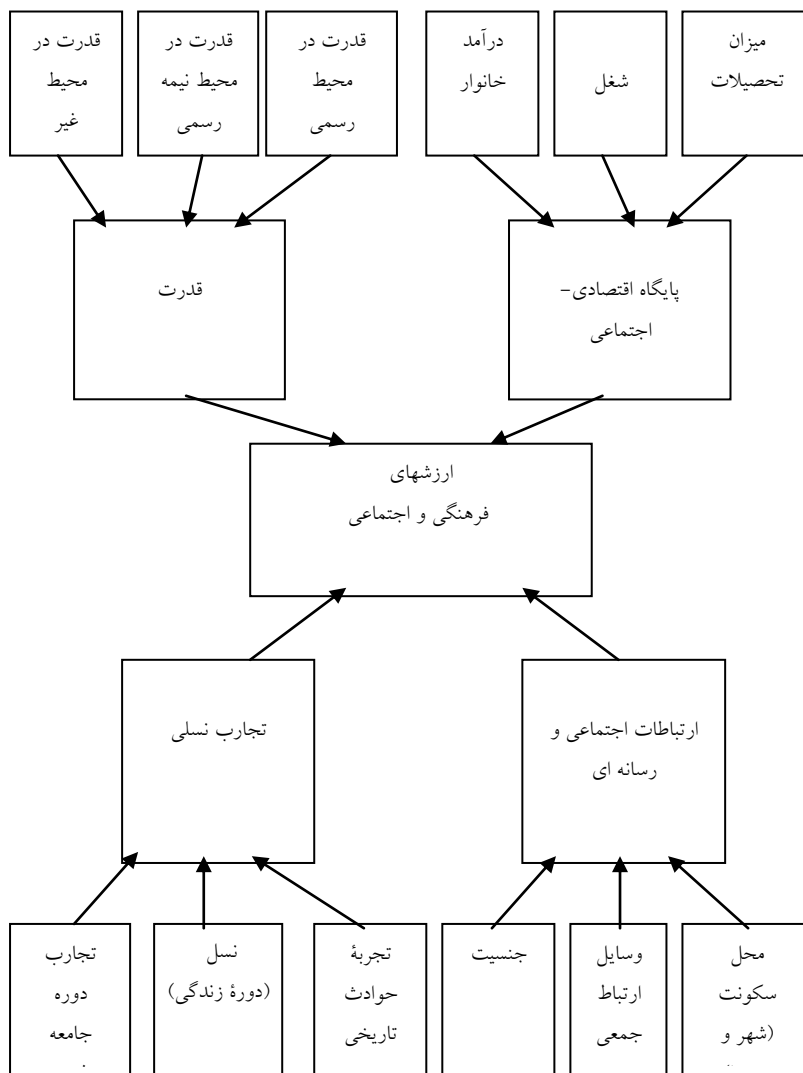
1. Pierre Bourdieu
2. Bryan S. Turner
3. George Simmel

۳-۴-۲- آنتونی گیدنز^۱: گیدنز نسبت به تفاوت ارزش‌ها در نسل‌های مختلف خوش‌بین است و آن‌را طبیعی می‌داند. برخلاف جامعه‌شناسان سلف خود نه تنها الگوهای ارزشی نسل جدید را نشانه‌ی فساد نمی‌داند بلکه آن‌ها را گونه‌ای دیگر از ملاک‌ها و معیارهای ارزشی می‌انگارد که حاکی از بوجود آمدن اخلاقیات جدید متناسب با دوران جدید است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۰۷).

۴- چارچوب نظری تحقیق

نظرات پارسونز مبنی بر اهمیت هنجارها و ارزش‌ها به منظور برقراری نظم اجتماعی توضیح دهنده برای گرایش‌های ارزشی افراد در صحنه‌های مختلف زندگی می‌باشند. در مکتب کارکردگرایی ساختاری نظریات رابرت مرتن مبنی بر عصیان نسل جوان علیه هنجارهایی که از گذشته به آنها تحمیل می‌شوند نیز در تبیین بسیاری از کنش‌های نسل‌های مختلف می‌تواند راهگشا باشد. از طرف دیگر بسیاری از نظریه‌ها از جمله نظرات مارگارت مید، بر تبیین کنش‌های کنشگران اجتماعی بر اساس تغییرات اجتماعی و تأثیرات آن مخصوصاً بر نسل‌های دوران انقلابات و تغییرات تأکید می‌نمایند و هر دوره‌ی تاریخی را مستلزم افکار و عقاید و انتظارات و توقعات ویژه‌ی آن دوره می‌دانند و بوجود آمدن فاصله‌ی نسلی را به ویژه در تحولات اجتماعی امری الزامی می‌شمارند و نیز نظریات متأخرین در جامعه‌شناسی مبنی بر تلفیق ساختار و عاملیت و یا ساختار و کنشگر از جمله نظریات بوردیو و گیدنز در تبیین رفتار نسل‌ها بر اساس ساختارهای اجتماعی و نیز اراده‌ی کنشگران، در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بر اساس این نظریات، کنشگران اجتماعی از یکطرف تحت الزامات ساختاری قرار دارند و از طرف دیگر می‌توانند به عنوان کنشگرانی که دارای اختیار به تصمیم‌گیری با توجه به ذائقه‌ها و علائق خود هستند، عمل نمایند. از نظریات مانهایم در مورد نقش حوادث تاریخی در دوره‌ی هر نسل، نظریات خرد همچون نظریات هافمن که به نقش وسایل ارتباط جمعی در کنش‌های اجتماعی کنشگران تأکید می‌نمایند؛ نظریات فردرید، رایلی جانسون، فونر و سایرین در مورد نقش سن در بوجود آمدن فاصله نسلی؛ همچنین نظریات جاکوبسن و فدر در مورد نقش جنسیت در تفاوت معیارها و ارزشها استفاده شده است. نقش آموزش و تحصیلات در بوجود آمدن تفاوت در ارزش‌ها و هنجارهای نسل‌های مختلف در نظریات گی روشه، اینگلهارت و نوک، راهگشا برای ساختن فرضیه‌ی مربوط بوده است. در مورد نقش نوع شغل و تأثیر آن بر نوع تربیت والدین و در نهایت نوع ارزش‌های اقشار مختلف اجتماعی، از نظریات کوهن و در مورد نقش زمینه اجتماعی افراد و خانواده‌های آنها از نظریات لوین و روکیچ و در مورد نقش «پایگاه اقتصادی- اجتماعی» و نقش تحصیلات والدین از نظرات و تحقیقات بنگستون استفاده شده است.

مدل مفهومی تحقیق



۵- فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق: نسل والدین و نسل فرزندان صرف‌نظر از موقعیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها، تجربیات و حوادث دوران زندگی و متغیرهای زمینه‌ای از قبیل جنسیت، شغل و محل سکونت، در مجموع دارای جهت‌گیری‌های متفاوتی در حوزه‌ی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشند.

گرایش‌های ارزشی در نسل فرزندان، فرد محور و در نسل والدین، جامعه محور است. نسل فرزندان دارای گرایش‌های ارزشی مادی (اقتصادی - اجتماعی) و نسل والدین دارای گرایش‌های ارزشی معنوی (مذهبی - سنتی) هستند. تجارب نسلی (در دوران زندگی) با نوع و جهت گرایش‌های ارزشی دو نسل والدین و فرزندان در رابطه است. تفاوت در میزان قدرت (در دوران شکل‌گیری شخصیت) با گرایش‌های ارزشی گروه‌های نسلی در رابطه است. تفاوت در پایگاه اقتصادی - اجتماعی با انواع گرایش‌های ارزشی در بین نسل‌ها در رابطه است. متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، میزان سواد و نوع شغل با نوع و جهت‌گیری ارزشی بین نسلی در رابطه است. تفاوت نسلی در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی با محل سکونت (مرکز استان، شهرهای استان، روستا) در رابطه است. تفاوت نسلی با نوع و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در رابطه است.

۶- روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش بهره گرفته شده و روش گردآوری اطلاعات استفاده از تکنیک پرسشنامه است. جامعه آماری در این تحقیق عبارت از همه‌ی پدران و مادران دارای فرزند ۱۵ تا ۳۴ ساله و نیز همه‌ی فرزندان ۱۵ تا ۳۴ ساله استان اصفهان است که در زمان تحقیق ساکن دائم در شهر اصفهان و یا سایر شهرها و روستاهای استان بوده‌اند.

واحد مشاهده هر پسر مجرد ۱۵ تا ۳۴ ساله، دختر مجرد ۱۵ تا ۳۴ ساله، مادر دارای فرزند ۱۵ تا ۳۴ ساله و پدر دارای فرزند ۱۵ تا ۳۴ ساله می باشد. حجم نمونه برای هر یک از گروه‌های مورد مطالعه (پدران، مادران، پسران و دختران) برابر با ۳۸۴ نفر و تعداد کل حجم نمونه برابر با ۱۵۳۶ نفر می باشد. از حجم نمونه، ۷۶۸ نفر به ۲۰ روستای استان (واقع در ۵ شهرستان و در هر شهرستان به ۴ روستا و بطور تقریبی متناسب با جمعیت آن روستاها)، ۲۵۶ نفر به شهر اصفهان (مرکز استان) و ۵۱۲ نفر به ۵ شهر دیگر استان، اختصاص یافته است.

از تعداد نمونه‌های اختصاص یافته به هر محل (شهر یا روستا)، نسل والدین - پدران و مادران - و نسل فرزندان - پسران و دختران - بطور مساوی مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند.

۷- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای اصلی تحقیق

تجربه نسلی: نظر به اینکه نسل موجودیتی واحد و یکپارچه نبوده، بلکه یک کل ترکیبی است که در درون خود به واحدهای فرعی - یا به تعبیر مانهایم واحدهای نسلی - قابل تقسیم است، بنابراین همه اعضاء یک نسل، از واقعه اصلی نسلی خود به یک اندازه و به یک شیوه متأثر نخواهند شد، بلکه میزان تأثیرپذیری و نیز، واکنش‌های ذهنی و رفتاری آنان نسبت به آن واقعه اولاً بر حسب طبقه، جنسیت، قومیت و ملیت آنها، متفاوت خواهد بود و ثانیاً بر حسب اینکه طی دوره اصلی شکل‌گیری خود تا چه اندازه در حوادث مذکور درگیر بوده و چگونه آن‌را تجربه کرده‌اند - یعنی صرفاً در زمان حوادث مهم نسلی‌شان زیسته و شاهد آن بوده‌اند، یا جزو گروه‌های فعال نسلی معین بوده و حادثه نسلی را در عمل تجربه کرده‌اند و یا از کسانی بوده‌اند که از حوادث مذکور صدمه یا آسیب - روحی، جسمی و اقتصادی دیده و به اصطلاح دارای تجارب آسیب‌زا و خاطرات تلخ از آن وقایع و تغییرات هستند. گفته شده چنین تجارب و خاطراتی، حضور مسلط و تأثیرات دائمی در گرایش‌ها، ایستارهای ذهنی و رفتارهای بعدی آنان در مابقی دوره حیاتشان نیز خواهد داشت (De Graf et al, 1996: 20).

تجربه حوادث تاریخی: شامل شاخص‌های تجربه انقلاب، تجربه جنگ و تجربه مشارکت‌های اجتماعی - سیاسی پس از دوران جنگ تا زمان حاضر به شرح ذیل می‌باشد:

- **تجربه انقلاب:** ۱- فعالیت در دوره انقلاب؛ ۲- آسیب‌دیدگی در جریان انقلاب؛
- **تجربه جنگ،** شامل دو متغیر فرعی فعالیت در جنگ و آسیب دیدن در جنگ؛
- تجربه مشارکت‌های اجتماعی - سیاسی پس از دوران جنگ تا زمان حاضر که شامل موارد زیر است:

- عضویت در گروه‌های اجتماعی - سیاسی؛
- مطالعه نشریات و کتب گروه‌های اجتماعی - سیاسی؛
- شرکت در مجالس و محافل گروه‌های اجتماعی - سیاسی؛
- مشارکت در انتخابات.
- **تجارب دوره جامعه‌پذیری:** که شامل موارد زیر می‌باشند:
- وضع مالی خانواده (زمینه رفاهی) در نوجوانی و جوانی فرد؛
- سفر به خارج در دوره نوجوانی و جوانی؛
- استفاده از بعضی انواع رسانه‌های جمعی (اینترنت، ماهواره)؛
- میزان آزادی و اختیار فرد در خانواده پدری (تجربه فضای خانوادگی بازتر یا بسته‌تر)؛

- محل گذران ایام نوجوانی و جوانی فرد (تجربه محیط‌های شهری بزرگ یا کوچک یا روستا).
قدرت: قدرت و توزیع نابرابر آن از نگاه نسل‌ها، از متغیرهای مستقل این بررسی است که از طریق استنتاج از نظرات بورديو در زمینه توزیع نابرابر سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین نسل‌ها و با استفاده از اصطلاح «فاصله قدرت» از روان‌شناس اجتماعی هلندی ماک مولدر - که نظریه‌ای به همین نام بر پایه تجارب آزمایشی و میدانی روی ساختارهای اجتماعی ساده و در سطح خرد، بنا نهاده - بدست آمده است (Hofsted, 1994: 83).

توزیع نابرابر قدرت: در این تحقیق از دو شاخص محوری «ترس از ابراز مخالفت با صاحبان قدرت» و «میزان دخالت صاحبان اقتدار در امور/ وظایف مربوط به فرد» در مقیاس فاصله قدرت هافستد (Hofsted, 1994: 427)، به علاوه شاخص «میزان دخالت فرد در تصمیم‌گیری‌ها» در داخل محیط‌های مختلف رسمی و غیررسمی (خانواده، مدرسه، دانشگاه، محل کار و جامعه بطور کلی)، استفاده شده است.

تعریف نظری ارزش: برخی از پژوهشگران ارزش را عبارت از اعتقاد کلی فرد درباره‌ی رفتارهای مطلوب و نامطلوب و به تعبیری دیگر، مجموعه‌ی بایدها و نبایدها، می‌دانند. اصطلاح مقیاس ارزش‌ها متضمن این اندیشه است که برخی از ارزش‌ها بر دیگری رجحان دارند. یک فرد یا گروه، زمانی به ساخت یک مقیاس ارزش می‌پردازد که در صدد رده بندی ارزش‌ها بر پایه اهمیتی که برای بعضی در قبال بعضی دیگر قائل است، برآمده باشد (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۳۱).

تعریف عملیاتی ارزش‌ها: فهرست ارزش‌های هدف - وسیله (مقیاس تحقیق): در این بررسی، از مقیاس سنجش ارزش‌های هدف - وسیله، متعلق به بریث ویت و بلامی^۱، استفاده گردیده است. این ارزش‌ها / اصول در دو حوزه کلی قرار گرفته‌اند:

۱. حوزه ارزش‌های اجتماعی

۲. حوزه ارزش‌های شخصی

فهرست ارزش‌های این مقیاس در سه بخش تنظیم شده و در اختیار پاسخگویان قرار می‌گیرد:

بخش اول: اهداف / ارزش‌های شخصی

بخش دوم: شیوه‌های رفتار

بخش سوم: اهداف / ارزش‌های اجتماعی (Braithwaite & Scott, 1997: 678).

در مورد اهداف شخصی و شیوه‌های رفتار و نیز در مورد ارزش‌های اجتماعی از پاسخگویان خواسته شده تا نظرات خود را در مقابل گویه‌های مربوط به هریک از هدف‌ها و شیوه‌های رفتاری، روی یک طیف ۵ نقطه‌ای، مشخص نماید.

۸- بررسی اعتبار^۱ و پایایی^۲ ابزار اندازه‌گیری

برای بررسی اعتبار مقیاس ارزش‌ها در این تحقیق، از روش اعتبار صوری و اعتبار محتوا استفاده گردیده است؛ ابتدا کلیه مقولات ارزشی مقیاس اصلی (۵۰ مقوله) به دقت توسط تنی چند از صاحب‌نظران که با فرهنگ و جامعه‌ی ایران کاملاً آشنایی دارند، بررسی شد؛ برای سنجش پایایی پرسشنامه، روش «پایداری/سازگاری درونی» بکار رفت؛ پس از پیش‌آزمون، برای بررسی همبستگی درونی میان گویه‌ها با یکدیگر، از آماره‌ی آلفا کرونباخ در نرم‌افزار SPSS، استفاده گردید. نتایج در جدول زیر مشاهده می‌شوند:

شاخص‌های ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و تعداد گویه‌های آنها و نتایج آزمون پایایی گویه‌ها

شاخص‌ها	تعداد گویه‌ها	پایایی گویه‌ها برحسب مقادیر Alpha
برازندگی ظاهری، آداب دانی، نظم و نزاکت	۴	۰.۸۵
جهت‌گیری مثبت نسبت به دیگران	۵	۰.۷۴
برتری و سبقت‌جویی، رقابت و جرأت	۳	۰.۸۶
کار آمد، با کفایت و تأثیرگذار بودن	۶	۰.۷۱
تعهد و پای‌بندی مذهبی	۴	۰.۷۷
اعتقاد مذهبی	۴	۰.۷۲
رشد شخصی (تحقق استعدادهای بالقوه انسانی) و هماهنگی	۴	۰.۸۱
تندرستی و تناسب فیزیکی	۴	۰.۷۴
روابط توأم با اطمینان و رضایت‌بخش با دیگران	۳	۰.۷۶
موقعیت اجتماعی	۳	۰.۸۴
برابری و هماهنگی بین المللی	۶	۰.۸۵
نظم و قدرت ملی	۴	۰.۷۵

1 .Validity

2 .Reliability

۹- یافته‌های تحقیق

جدول ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت و گروه‌های سنی (نسل فرزندان و نسل والدین)

جمع	نسل والدین (۳۵ساله و بیشتر)		نسل فرزندان (۱۵ تا ۳۴ ساله)		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
مرد	۷۶۸	۵۵.۵	۴۲۶	۴۴.۵	۳۴۲
زن	۷۶۸	۴۲.۶	۳۲۷	۵۷.۴	۴۴۱
جمع	۱۵۳۶	۴۹.۰	۷۵۳	۵۱.۰	۷۸۳

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب محل سکونت آنها به تفکیک نسل فرزندان و نسل والدین

جمع	نسل والدین (۳۵ساله و بیشتر)		نسل فرزندان (۱۵ تا ۳۴ ساله)		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
شهر اصفهان	۲۵۶	۱۵.۴	۱۱۶	۱۷.۹	۱۴۰
سایر شهرهای استان	۵۱۲	۳۳.۵	۲۵۲	۳۳.۲	۲۶۰
روستاهای استان	۷۶۸	۵۱.۱	۳۸۵	۴۸.۹	۳۸۳
جمع	۱۵۳۶	۱۰۰	۷۵۳	۱۰۰	۷۸۳

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب استفاده آنها از مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی به تفکیک دو نسل

جمع	نسل والدین (۳۵ساله و بیشتر)		نسل فرزندان (۱۵ تا ۳۴ ساله)		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
کتاب	۴۶۰	۲۷.۴	۲۰۶	۳۲.۴	۲۵۴
روزنامه	۳۲۵	۲۷.۴	۲۰۶	۱۵.۲	۱۱۹
مجله	۲۴۷	۱۷.۹	۱۳۵	۱۴.۳	۱۱۲
تلویزیون	۱۰۲۸	۷۲.۲	۵۴۴	۶۱.۸	۴۸۴
اینترنت	۴۴۰	۲۲.۷	۱۷۱	۳۴.۴	۲۶۹
ماهواره	۳۶۹	۲۱.۶	۱۶۳	۲۶.۳	۲۰۶

جدول ۴: نتایج آزمون t بین ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و گروه‌های نسلی (نسل والدین و نسل فرزندان)

Sig.	t	میانگین	تعداد	مقوله‌ها	مقیاسها
۰.۷۹۰	۰.۲۶۶	۸۱.۵۱	۷۸۳	برازندگی ظاهری، آداب دانی، نظم و نزاکت	ارزش‌های مربوط به شیوه رفتار (ابزاری)
		۸۱.۳۱	۷۵۳		
۰.۰۰۰	-۳.۸۱	۶۸.۴۵	۷۸۳	جهت‌گیری مثبت نسبت به دیگران	
		۷۱.۵۵	۷۵۳		
۰.۰۰۰	۴.۱۳	۶۷.۹۸	۷۸۳	برتری و سبقت جویی، رقابت و جرأت	
		۶۳.۹۴	۷۵۳		

۰.۴۱۹	۰.۸۰	۷۳.۷۲	۷۸۳	فرزندان	کار آمد، با کفایت و تأثیر گذار بودن	
		۷۳.۱۳	۷۵۳	والدین		
۰.۸۳۵	-۰.۲۰	۸۵.۷۱	۷۸۳	فرزندان	تعهد و پای بندی مذهبی	
		۸۵.۹۰	۷۵۳	والدین		
۰.۰۰۰	-۴.۱۸	۷۰.۲۲	۷۸۳	فرزندان	اعتقاد مذهبی	ارزش‌های هدف (غایی)
		۷۴.۶۱	۷۵۳	والدین		
۰.۰۰۰	۵.۱۸	۸۰.۰۸	۷۸۳	فرزندان	رشد شخصی و هماهنگی درونی	
		۷۶.۲۹	۷۵۳	والدین		
۰.۰۰۰	۵.۴۳	۷۸.۹۰	۷۸۳	فرزندان	تندرستی و تناسب فیزیکی	
		۷۴.۵۵	۷۵۳	والدین		
۰.۱۶۲	۱.۴۰	۷۷.۳۷	۷۸۳	فرزندان	روابط توأم با اطمینان و رضایت بخش با دیگران	
		۷۶.۱۸	۷۵۳	والدین		
۰.۰۰۲	۳.۱۳	۷۴.۸۲	۷۸۳	فرزندان	موقعیت اجتماعی	
		۷۱.۹۲	۷۵۳	والدین		
۰.۹۰۱	۰.۱۲	۷۴.۸۰	۷۸۳	فرزندان	برابری و هماهنگی بین المللی	اهداف / ارزش‌های اجتماعی
		۷۴.۷۱	۷۵۳	والدین		
۰.۰۵۸	۱.۸۹	۸۲.۰۵	۷۸۳	فرزندان	نظم و قدرت ملی	
		۸۰.۴۱	۷۵۳	والدین		

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری (Sig.) تفاوت میانگین‌های ارزش‌ها بین دو گروه نسلی در ۷ مورد از مقولات کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد که حاکی از معنی‌دار بودن تفاوت‌های این ارزش‌ها بین دو نسل می‌باشد و در مورد ۵ مقوله تفاوت‌های میانگین‌های ارزش‌ها بین دو نسل معنی‌دار نمی‌باشد. با توجه به اینکه این ۷ مقوله شامل ۲۷ گویه می‌باشند که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را در بین نسل فرزندان و نسل والدین مورد سؤال قرار داده است، می‌توان نتیجه گرفت که این دو نسل در بسیاری از ارزش‌هایشان دارای تفاوت معنی‌داری می‌باشند لذا فرضیه اصلی تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۵: نتایج آزمون t بین گرایش‌های ارزشی با گروه‌های نسلی

Sig.	t	میانگین	N	مقوله‌ها
۰.۱۲۹	-۱.۵۲۰	۷۵.۸۶	۷۸۳	فرد محور و جامعه محور بودن گرایش‌های ارزشی
		۷۷.۱۴	۷۵۳	
۰.۰۴۵	-۲.۰۱	۸۳.۰۰	۷۸۳	گرایش‌های ارزشی مادی و گرایش‌های ارزشی معنوی (مذهبی - سنتی)
		۸۵.۰۳	۷۵۳	

چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون t حاکی از فقدان رابطه معنی‌دار بین فرد محور و جامعه محور بودن گرایش‌های ارزشی نسل فرزندان و نسل والدین می‌باشد، لذا فرضیه ۲ تأیید نمی‌شود. همچنین نتایج این آزمون حاکی از رابطه معنی‌دار بین گرایش‌های ارزشی مادی و گرایش‌های ارزشی معنوی دو نسل می‌باشد. با مقایسه میانگین‌ها و ضرایب همبستگی می‌توان نتیجه گرفت که در نسل فرزندان گرایش‌های ارزشی مادی (اقتصادی-اجتماعی) بیشتر و در نسل والدین گرایش‌های ارزشی معنوی (مذهبی-سنتی) بیشتر هستند، لذا فرضیه ۳ تأیید می‌شود.

جدول ۶: نتایج آزمون **Partial Correlations** بین تجارب نسلی، قدرت، متغیرهای زمینه‌ای و استفاده از رسانه‌ها با

گرایش‌های ارزشی در گروه‌های نسلی

متغیرها	مقوله‌ها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
تجارب نسلی	تجارب دوره جامعه‌پذیری، و تجربه‌ی حوادث	۰.۳۵۶	۰.۰۰۰
قدرت	قدرت در محیط‌های غیر رسمی، نیمه رسمی و رسمی	۰.۰۸۵	۰.۰۰۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-----	۰.۰۶۷	۰.۰۰۹
جنسیت	-----	۰.۰۲۵	۰.۳۱۰
میزان سواد	-----	۰.۷۴۲	۰.۰۳۲
نوع شغل	-----	-۰.۴۵۴	۰.۰۱۲
محل سکونت (شهر و روستا)	-----	۰.۰۱۹	۰.۴۵۸
میزان استفاده از مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی	میزان استفاده از کتاب	۰.۱۲۰	۰.۰۰۰
	میزان استفاده از روزنامه	۰.۰۰۲	۰.۹۳۵
	میزان استفاده از مجله	۰.۰۰۱	۰.۹۴۱
	میزان استفاده از تلویزیون	-۰.۰۸۵	۰.۰۰۱
	میزان استفاده از اینترنت	-۰.۰۷۹	۰.۰۰۲
	میزان استفاده از ماهواره	۰.۰۳۹	۰.۰۰۴

از نتایج آزمون‌های مندرج در جدول ۶ می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه ۴ مبنی بر تأثیر تجارب نسلی (دو نسل فرزندان و والدین) در تفاوت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آنها تأیید می‌گردد. همچنین رابطه‌ی متغیرهای قدرت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، در تفاوت ارزش‌های نسل‌های والدین و فرزندان بطور مستقیم معنی‌دار می‌باشند و لذا فرضیات ۵ و ۶ نیز مورد تأیید قرار می‌گیرند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت دو نسل فرزندان و والدین در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی‌اشان برای آنها که ساکن در شهر هستند با آنان که در روستا زندگی می‌کنند و بین زنان و مردان فاقد سطح معنی‌داری لازم می‌باشد و نیز بین میزان تحصیلات پاسخگویان و تفاوت دو نسل در ارزش‌هایشان بطور مستقیم و بین نوع شغل پاسخگویان و تفاوت دو نسل بطور معکوس رابطه معنی‌دار وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری و

ضریب همبستگی آزمون‌های انجام شده برای استفاده از مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت ارزش‌های دو نسل فرزندان و والدین برای پاسخگویی که بیشتر کتاب مطالعه می‌کنند معنی‌دار است و برای پاسخگویی که از کانال‌های تلویزیون داخلی استفاده می‌کنند و آنان که از اینترنت استفاده می‌کنند رابطه معنی‌دار و معکوس می‌باشد و نیز برای آنان که روزنامه و مجله مطالعه می‌نمایند، رابطه معنی‌دار بین ارزش‌های دو نسل وجود ندارد و نیز برای پاسخگویی که از ماهواره استفاده می‌کنند نیز تفاوت‌های ارزش‌های والدین و فرزندان بطور مستقیم معنی‌دار است.

۱۰- نتیجه‌گیری

با توجه به آزمون‌های انجام شده مشخص شد که دو نسل فرزندان و والدین در بسیاری از ارزش‌هایشان دارای تفاوت معنی‌داری می‌باشند و گرایش‌های ارزشی مادی در نسل فرزندان بیش از نسل والدین و گرایش‌های ارزشی معنوی (مذهبی و سنتی) در نسل والدین بیش از فرزندان می‌باشد. تجارب دوره‌ی جامعه‌پذیری، شامل محل گذران ایام جوانی پاسخگو، وضعیت مالی خانواده‌ی پاسخگو، همچنین استفاده از اینترنت و ماهواره توسط پاسخگویان (نسل فرزندان) و میزان اختیار و آزادی پاسخگویان در امور مربوط به زندگی شخصی (در نسل فرزندان) و نیز تجربیات متفاوت حوادث تاریخی در دو نسل (تجربه جنگ و مشارکت در آن بوسیله نسل والدین و مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی بوسیله نسل فرزندان و...) در افتراق ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی دو نسل مؤثر بوده‌اند. میزان استفاده از ماهواره و اینترنت از عوامل تعیین‌کننده در تبیین فاصله‌ی نسلی بوده‌اند؛ در یافته‌های تحقیق مشاهده شد که اقشار مختلف اجتماعی در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه (استان اصفهان) از این وسایل ارتباطی استفاده می‌نمایند. هرچند در این تحقیق در مورد نوع برنامه‌های ماهواره مورد استفاده از طرف پاسخگویان سؤال بعمل نیامده است اما شواهد بسیاری وجود دارد که حاکی از استفاده از ماهواره در بسیاری از افراد جامعه‌ی آماری تحقیق (شهروندان استان اصفهان) به عنوان سرگرمی و تماشای برنامه‌های موسیقی و سایر برنامه‌هایی است که مغایر با آموزه‌های سنتی و منابع و الگوهای مورد تبلیغ از طرف مسؤولین فرهنگی جامعه است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که بین اعتماد عمومی و گسست نسلی رابطه وجود دارد؛ اینگلههارت «کاهش اعتماد به حکومت را کاهش گسترده‌ی احترام به اقتدار بر می‌شمارد که با فرایند مدرنیزه‌شدن جامعه در ارتباط است». لومان کارکرد اعتماد را در درون نظام اجتماعی با کارکرد قانون در جامعه مقایسه می‌کند. در پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی کمتر بوده است. طبق یافته‌های تحقیق در مورد میزان استفاده از انواع وسایل ارتباط جمعی و

میزان تحصیلات در پایگاه‌های مختلف و نیز آزمون‌های انجام‌شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که هرچه میزان استفاده از بعضی از وسایل ارتباط جمعی مذکور در فوق بیشتر بوده، تفاوت ارزش‌های آنها با نسل دیگر نیز بیشتر بوده است.

بنا به گفته صاحب‌نظران، والدین در پایگاه‌های اجتماعی، اقتصادی بالا بیشتر به جامعه‌پذیری از طریق ارزش‌های مدرن به فرزندان‌شان توجه نشان می‌دهند اما افراد پایگاه‌های متوسط به رویکرد درونی توجه دارند و از روش نصیحت و راهنمایی استفاده می‌نمایند و والدین طبقات پایین روش خشک (تنبیه) بکار می‌برند. میزان قدرت در دوران شکل‌گیری شخصیت در محیط‌های غیررسمی (خانواده)، نیمه‌رسمی (دبیرستان و دانشگاه) و رسمی (محیط کار و جامعه) براساس آزمون‌های صورت گرفته، موجب تفاوت در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی دو نسل شده است.

بین جنسیت و تفاوت در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی دو نسل فرزندان و والدین، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر در مردان به همان اندازه تفاوت در ارزش‌ها وجود دارد که در زنان. اما تفاوت نسلی در ارزش‌ها با تفاوت در میزان تحصیلات پاسخگویان در ارتباط معنی‌دار می‌باشد بگونه‌ای که هرچه میزان تحصیلات پاسخگویان (نسل والدین و نسل فرزندان) بیشتر بوده، تفاوت نسلی آنها با نسل دیگر کمتر بوده است و بالعکس.

بین محل سکونت پاسخگویان (از نظر شهری یا روستایی بودن) و تفاوت نسلی آنها، رابط معنی‌داری وجود نداشته است. تفاوت در ارزش‌های دو نسل در ارتباط معنی‌دار با میزان استفاده‌ی پاسخگویان از تلویزیون، اینترنت و ماهواره و نیز مطالعه‌ی کتاب بوده است.

بنظر می‌رسد که در جامعه‌ی مورد بررسی ما (شهروندان استان اصفهان)، پایگاه پایین جامعه نیز همچون پایگاه متوسط از روش‌های درونی (خانوادگی) استفاده می‌نمایند و به این جهت فاصله‌ی نسلی در آنها نسبت به پایگاه بالا و متوسط کمتر است.

همچنین عامل تحصیلات و آموزش نیز می‌تواند همچون نظرات بنگستون و سایر دانشمندان، تفاوت‌های بین نسلی در جامعه‌ی مورد بررسی ما را در موضوع ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار دهد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، بنظر می‌رسد جوانان معیارهای ارزشی‌شان را براساس بعضی از ارزش‌هایی قرار می‌دهند که ناشی از فرهنگ جهانی برگرفته از نوگرایی و مابعد نوگرایی می‌باشد و عدم توجه به ارزش‌های مذهبی و گرایش به مادی‌گرایی اقتصادی را می‌توان از آن جمله دانست.

در نهایت با تأسی از نظرات آنتونی گیدنز می‌توان نتیجه گرفت که نسل جوان از ملاک‌ها و معیارهای خاص خود پیروی می‌کند که نباید آن‌را فساد قلمداد نمود بلکه موجب ظهور اخلاقیات جدید متناسب با دوران جدید می‌باشد.

۱۱- کاربردهای تحقیق و پیشنهادهای اجرایی در موضوع فاصله‌ی نسلی

این تحقیق و تحقیقات مشابه می‌توانند با شناخت جامعه‌ی مورد مطالعه مخصوصاً ارزش‌ها، توقعات و انتظارات نسل جوان، مسئولین فرهنگی و اجرایی را در فراهم‌نمودن امکانات لازم در جهت برنامه‌ریزی‌های مناسب برای این قشر از جامعه یاری نمایند.

مسئله‌ی ریشه‌یابی ارزش‌های نسل جوان در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی‌شان می‌تواند نقش زیادی در حل تعارضات نسل‌های والدین و فرزندان داشته باشد. عدم توجه به خواسته‌های نسل جوان هزینه‌های زیادی را هم برای خانواده‌ها و هم برای نهادهای مختلف جامعه در پی خواهد داشت.

موضوع مورد مطالعه‌ی این تحقیق می‌تواند راهکارهای مفیدی را در نزدیک‌سازی افکار و عقاید و ارزش‌ها و معیارهای هر دو نسل فراهم نموده و از تنش‌های خانوادگی ناشی از تضارب افکار والدین و فرزندان و نیز تنش‌های موجود در جامعه که ناشی از عدم تفاهم و سازگاری نسل گذشته که مسئولین نهادهای اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود و نسل جدید که جوانان هستند، جلوگیری نماید.

ایجاد کانون‌های فرهنگی و اجتماعی با مشارکت جوانان، میانسالان و بزرگسالان و با مشارکت حمایت و همراهی نهادهای دولتی می‌تواند به این امر کمک شایان توجهی نماید.

گسترش مراکز اوقات فراغت که در آنها جوانان و بزرگسالان بتوانند در کنار یکدیگر به گذران اوقات بیکاری خود پرداخته و در تعامل با یکدیگر به فعالیت‌های گوناگون ورزشی، تفریحی، هنری و فرهنگی بپردازند موجب تقریب افکار و عقاید آنها شده و می‌تواند تفاهم و درک متقابل ارزش‌ها و خواسته‌های آنها را به همراه داشته باشد.

همچنین استفاده هرچه بیشتر از تلویزیون به عنوان رسانه‌ی ملی در اجرای برنامه‌های گفتگو و مناظره بین دو نسل والدین و فرزندان می‌تواند در این زمینه بسیار تأثیرگذار باشد.

فهرست منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی و همکاران، (۱۳۷۹)، گزارش تفصیلی بررسی مقدماتی ارزش‌های جهانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران.

۲. الیاسی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، بررسی نگرش‌های دانش‌آموزان پسر و والدین آنها در شهر تهران، پایان-نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۳. اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
۴. بیرو، آلن، (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه ساروخانی، باقر، کیهان، تهران، چاپ اول.
۵. پناهی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، فاصله نسلی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن، فصلنامه علوم انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۷، دانشگاه الزهراء، صص ۴۹-۳۷، تهران.
۶. تیموری، کاوه، (۱۳۸۰)، بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف نسل‌ها، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات آرون، تهران.
۷. رجبی، احمد، (۱۳۸۲)، تساهل اخلاقی و کشمکش خانوادگی در خانواده‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۸. ریترز، جورج، (۱۳۷۷)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، انتشارات علمی، تهران.
۹. صلحی، حسین، (۱۳۸۳)، تعارض بنیادین نوجوانان و والدین؛ تحقیق در شهر تهران، پایان کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۰. کوزر، لوئیس، (۱۳۶۸)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
۱۱. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخص در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.
۱۲. محسنی، منوچهر، (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۳. محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی اجتماعی جوانان: بررسی انزوای ارزشی (بیگانگی فرهنگی) و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران.

14. Braithwaite, V. (1997). *Measures of personality and social psychological attitudes*. New York: Academic Press Inc.
15. De Graf, N. (1996). Why the young are more postmaterialist? *Comparitive Political Studies*, 28, 4. London.

-
16. Hofstede, G. (1994). *Culture's consequences: comparing values, behaviors, institutions & organizations across nations*. London: Second Edition, Sage.
 17. Turner, B. (1998). Aging generations. *British Journal of Sociology*, 49, 2. London.